

رسالة الرجل من الرجل



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده مطالعات اجتماعی
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی

عنوان: تحلیل گفتمان رادیکالیسم اسلامی؛ (مطالعه موردی داعش)

استاد راهنما:

دکتر محمدسالار کسرائی

استاد مشاور:

دکتر نعمت اله فاضلی

پژوهشگر:

عنایت الله آریایی فر

مهر

۱۳۹۷

پاس و قدردانی

اکنون که این دوره را به پایان رسانیده‌ام، بر خود واجب می‌دانم از استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد سالار کسنرانی به پاس زحمات بی‌شائبه‌شان در طی انجام این تحقیق سپاسگزاری نمایم.

همچنین از استاد گرانمایه، خانم دکتر ناهید مویز حکمت که زحمات داور این پایان‌نامه را بر عهده داشتند نهایت تشکر را دارم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر نعمت‌الله فاضلی که ساگردی محضرشان از بزرگترین افتخارات زندگی علمی ام می‌باشد، کمال تشکر را دارم.

تقدیم به

روح پاک مادرم، آن که آفتاب مهرش در آستانه قلمم، هم چنان پابرجاست و هرگز غروب
نخواهد کرد

و

پدرم، او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی سخاوت، سکوت، مهربانی و.....
پدرم راه تمام زندگیست
پدرم دنجوشی، همسنگیست....

چکیده

گفتمان، مفهومی پرکاربرد در حوزه علوم انسانی، زبان شناسی، روان شناسی و علوم اجتماعی است که در ادبیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نشریات و روزنامه ها و حتی محاورات روزمره کاربردهای بسیاری دارد در حالی که معنای مستفاد از آن متفاوت است؛ در ادبیات جامعه شناسی پساساختارگرا یا پست مدرن گفتمان جایگزین مفهوم ایدئولوژی شده است؛ در حالی که ایدئولوژی به احساسات، اعتقادات و باورهای اشاره داشت که از طرف یک رویکرد ویژه توجیه و تحمیل می شده است و در نتیجه بار منفی با خود داشت، گفتمان مفهومی گسترده تر است که هر گونه عمل سیاسی-اجتماعی حتی در مقیاس اعمال فردی را نیز در بر می گیرد. نظریه گفتمان رادیکال ارنست لاکلا و شانتال موفه یکی از نظریه های جامعه شناسی سیاسی پست مدرن است که به کمک آن می توان چگونگی بروز، ظهور یا چگونگی تضعیف یک گفتمان را در میان گفتمان های غیر یا دیگری توصیف کرد. بر اساس این نظریه عرصه اجتماع عرصه تنازعات گفتمانی گوناگون بر سر معنا و انتساب معنا است. گفتمان، جهان اجتماعی را می سازد و هویت ها را تسخیر می کند، هر گفتمان با برجسته سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف گفتمان رقیب به دنبال این است تا مفاهیمی را که اغفال مانده اند و کارهایی که باید انجام می شده است، انجام نشده اند یا به درستی پیش نرفته اند، با معنا دادن و عمل مفصل بندی وارد ساختار گفتمانی خود کند و دنیایی متفاوت را رقم بزند. تنازعات گفتمانی بر سر معنا به منظور برقراری رابطه ی هژمونیک با سوژه هایی است که قرار است بپذیرند گفتمان حاکم در ترفیع نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ناکام بوده است. گفتمان داعش با شناختی که از نقاط بی قرار و حاشیه ای در گفتمان های رقیب کسب کرده، نظامی از معانی را تشکیل داده است و در یک تنازع گفتمانی زمینه های تزلزل و ساخت شکنی این گفتمان ها را فراهم کرده و توانسته است در مدت زمان اندکی هژمونی خود را بر برخی از سرزمین های عراق و سوریه ایجاد کند و با ادعای ایجاد دولت سازمان یافته و اسلامی فراخوان هجرت و جهاد برای ایجاد و تاسیس آن دولت صادر کرده است و تعداد بسیار زیادی جنگ جو از سراسر جهان، حتی آنهایی که از مباحث اسلامی اطلاع اندکی داشته اند، به این فراخوان آری گفته اند. آنچه در این نوشتار پیگیری می شود چگونگی شکل گیری گفتمان داعش در میان گفتمان های غیر است و به این پرسش های فرعی پاسخ می دهیم که در ساختار گفتمانی داعش چگونه فرایند غیریت سازی صورت می گیرد، چه مفاهیمی برجسته یا طرد می شوند یا به شیوه ی متفاوت مفصل بندی و از ابعاد (وقته ها) به عناصر گفتمانی داعش تبدیل می شوند.

واژگان کلیدی: گفتمان، هژمونی، ایدئولوژی، ساختار شکنی، تنازع، ظهور، داعش، عنصر، بُعد

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق	۳
۱-۱. مسأله پژوهش	۴
۱-۲. قلمرو پژوهش	۵
۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش	۶
۱-۴. سوالات پژوهش	۶
۱-۵. اهداف پژوهش	۷
۱-۶. روش انجام پژوهش	۷
۱-۷. روش جمع آوری اطلاعات	۸
۱-۸. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۹
۱-۹. پیشینه پژوهش	۱۰
فصل دوم: ادبیات پژوهش	۱۱
۱-۲. ادبیات تجربی	۱۲
درآمد	۱۲
۲-۲. ادبیات نظری	۲۰
الف- تاریخچه گفتمان	۲۰
ب- نظریه گفتمان لاکلا و موفه	۲۲
ج- نظریه معنا	۲۴
د- مفاهیم اساسی در نظریه گفتمان لاکلا و موفه	۲۶
الف. نظریه معنایی تحلیل گفتمان	۲۶
۱. مفصل بندی (Articulation)	۲۶
۲. دال و مدلول (Sign and signifier)	۲۷
۳. دال مرکزی (nodal point)	۲۷
۴. دال شناور (Floating point)	۲۷
۵. دال خالی (Empty point)	۲۷
۶. غیرثابت و اختیاری بودن رابطه دال و مدلول	۲۸
۷. عناصر، وقته ها یا لحظه ها (element & moment)	۲۸
۸. حوزه گفتمان گونگی (Field of discursivity)	۲۸

۲۹	۹. انسداد و توقف (closure)
۲۹	۱۰. هویت (Identity)
۳۰	۱۱- زنجیره هم ارزی و تفاوت (Chain of equivalence & difference)
۳۰	۱۲- هژمونی (Hegemony)
۳۱	۱۳- تنازع و تخصم
۳۱	۱۴- برجسته سازی و حاشیه رانی
۳۱	۱۶- اسطوره سازی (myth)
۳۲	۱۷- قدرت
۳۲	۱۸- موقعیت سوژه ای و سوژگی سیاسی
۳۳	۳- کاربرد نظریه گفتمان لاکلاو و موفه
۳۵	فصل سوم: روش پژوهش
۳۶	۳-۱- درآمد
۳۷	۳-۲- شیوه گردآوری داده ها
۳۷	۳-۳- شیوه نمونه گیری
۳۸	۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها
۴۰	فصل چهارم: ساختار گفتمان داعش
۴۱	۴-۱- درآمد
۴۳	۴-۲- گفتمان داعش و دال خلافت
۵۰	۴-۳- گفتمان داعش و دال دولت-ملت
۵۵	۴-۴- گفتمان داعش و دال جهاد
۵۹	۴-۵- جهاد الکترونیکی
۶۱	۴-۶- گفتمان داعش و دال هویت
۶۶	فصل پنجم: نتیجه گیری
۶۷	۵-۱- نتیجه گیری
۷۳	منابع و ماخذ
۷۳	منابع فارسی
۷۴	مقاله ها
۷۵	منابع لاتین

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. مسأله پژوهش

جهان اجتماعی عرصه‌ی حضور و ظهور گفتمان^۱‌های متعددی است که هر کدام با توجه به نشانه‌های موجود در ساخت گفتمانی خویش و به منظور تثبیت معنا و حوزه‌ی معناداری دال‌هایشان، خود را با گفتمان غیر یا دیگری در تنازع و رقابت قرار می‌دهند. فرضیه بنیادین یک رویکرد گفتمانی این است که امکان اندیشه، عمل و درک کامل به ساختمان شدن حوزه معناداری بستگی دارد که قبل از هر بی‌واسطگی عینی حضور دارد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۰). بنابراین گفتمان چیزی است که درک، اندیشه و فهم را ممکن می‌سازد (نش، ۱۳۹۳: ۲۸۴). در نتیجه تغییر در یک گفتمان موجب تغییر در جهان اجتماعی و واقعیت‌های آن می‌شود، به عبارت دیگر برای تغییر جهان اجتماعی و واقعیت‌های آن که هویت سوژه‌ها را هم در بر می‌گیرد باید گفتمان حاکم را تغییر داد. گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت میان «ما» و «دیگری»^۲ هویت خود را کسب می‌کنند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۳) و جوامع و گروه‌ها در سطح گفتمان دارای مکانیسم‌هایی از دوگانه‌سازی «ما» و «آن‌ها» هستند (همان، ۵۴).

پیدایش گفتمان‌های متعدد رادیکال در خاورمیانه با نام‌های گوناگون مثل طالبان، جبهه‌النصره، اخوان المسلمین، القاعده، داعش و ... که با عنوان‌های تکفیری، بنیادگرایی و سلفی از آنها یاد می‌شود و هر کدام برای خود هویت گفتمانی متفاوت با دیگری قائل می‌شوند در قرن بیست و یکم گسترش روز افزونی داشته است و به عنوان گفتمان‌های رادیکالی مطرح هستند که تلاش می‌کنند تسلط خود را در تقابل با دیگری اثبات کنند. دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش یکی از این گروه‌هاست که در دهه اخیر از شبکه القاعده منشعب شده و تا به امروز فعالیت‌های رادیکالش را نه تنها در خاورمیانه بلکه در کشورهای اروپایی و غربی ادامه می‌دهد. داعش اکنون، قوی‌ترین گروه رادیکال و بنیادگرای جهان محسوب می‌شود و سبک و شیوه‌ای نوین در عملکرد و سیاست‌گذاری‌های رادیکالی، از خود به نمایش گذاشته است. کنترل بخش‌هایی بزرگ از عراق و سوریه و جذب ده‌ها هزار نیروی جدید جهادی از سرتاسر جهان، که به عنوان سوژه‌هایی محسوب می‌شوند که در ذیل این گفتمان هویت خود را آشکار می‌کنند، از عملکرد به نسبت موفق این گفتمان رادیکال در تثبیت جایگاه گفتمان‌بودگی‌اش حکایت دارد.

گفتمان‌ها از خلال غیریت‌سازی، طرد و برجسته‌سازی معانی، هژمونیک کردن سلطه و تلاشی که برای انتساب معنا به دال‌های شناور و کشاندن‌شان به حوزه‌ی معناداری خود می‌کنند و پس از تشکیل زنجیره‌ای از دال‌ها در رابطه با دال مرکزی خود، شکل می‌گیرند. اما این به معنی تثبیت کامل گفتمان نیست بلکه از آنجا که هر لحظه از طرف دیگر گفتمان‌ها تهدید می‌شود باید همچنان به تلاش خود در

¹. discourse
². our
³. other

جهت حفظ فرآیندهای معنا سازی، غیریت سازی و ... حول دال مرکزی ادامه دهند. (همان، ۴۴) از آنجا که پیوستگان به داعش بر خلاف تصور عمومی محدود به عرب ها و اهل تسنن نمی باشند و گفتمان داعش برای دستیابی به مقاصد گفتمانی و در نتیجه تثبیت خود در میان گفتمان های رقیب از گفتمان نظام جهانی گرفته تا گفتمان هایی که ممکن است در نوعی سلفی گرایی همراه با داعش از آنها یاد شود، شیوه ی رادیکال تری پیش گرفته است، در نتیجه گفتمان داعش نوعی تهدید برای گفتمان های به نسبت دموکراتیک تر حاکم در خاورمیانه محسوب می شود. پرسش اصلی که این تحقیق پی می گیرد این است که گفتمان داعش چگونه شکل گرفته است؟ یا به عبارت دیگر دال مرکزی این گفتمان را چه چیزهایی تشکیل می دهند؟ و به کمک نظریه گفتمان رادیکال ارنست لاکلا و شانتال موفه^۱، که در آن مرکزیت امر سیاسی مفروض گرفته شده و با بهره گیری از مفاهیمی نظیر «هژمونی^۲»، «غیریت^۳»، «ضدیت^۴»، «مفصل بندی^۵»، «دال مرکزی^۶»، «زنجیره تمایزها و زنجیره هم ارزی^۷» به تعمق و مذاقه درباره پدیده ی اجتماعی-سیاسی می نشینیم. (همان، ۲۲) بنابراین سعی داریم تا نحوه شکل گیری گفتمان داعش و حوزه ی معناداری آن را بررسی کنیم. سوال اصلی که این پژوهش پی می گیرد این است که:

گفتمان داعش چگونه شکل گرفته است؟

۱-۲- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی:

از لحاظ قلمرو مکانی پژوهش حاضر به بررسی شکل گیری، تحول، گسترش و افول گفتمان داعش در خاورمیانه و به ویژه سوریه و عراق می پردازد.

ب) قلمرو زمانی:

حیطه زمانی پژوهش از حدود سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ می باشد.

ج) قلمرو موضوعی:

به لحاظ محتوا و موضوع، پژوهش بر بررسی چگونگی شکل گیری و گسترش گفتمان داعش تمرکز دارد.

1. Ernesto Laclau & Chantal Mouffe
 2. Hegemony
 3. otherwise
 4. antagonism
 5. articulation
 6. nodal point
 7. chain of equivalence and difference

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجا که داعش در برخورد با مردم عادی، به ویژه کودکان و زنان، که درگیر زندگی روزمره خود هستند و علنا هیچگونه دشمنی آشکاری با این گروه اعلام نکرده اند، دست به حملات کور و انتحاری می زند و موجب ایجاد خسارت های جانی و مالی بسیاری می شود و به بهانه جلوگیری از گسترش این گروه دولت های غربی از جمله آمریکا، و دولت های حاکم در منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و ... با بمباران های چند سال اخیر نیز بر شدت و حدت مرگ و میر مردم عادی افزوده اند. از طرف دیگر داعش در جهت دستیابی به مقاصد خود پس از دسترسی به منابع نفت و گاز در عراق از نظر مالی تبدیل به متمول ترین جنبش اسلامی شده و سیاست های رادیکال داعش در برابر گفتمان های حاکم در خاورمیانه، تقریباً تمام مناسبات سیاسی در این منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده است؛ بنابراین درک ماهیت گفتمان داعش، دال مرکزی، نحوه شکل گیری، ساخت گفتمانی آن، روند پیشروی اش و در نتیجه دال های شناوری که از گفتمان های دیگر طرد می شوند و به طور بالقوه در ساختار گفتمانی داعش معنای تازه ای به خود بگیرند؛ امری بسیار ضروری به نظر می رسد. از آنجا که، گفتمان ها هرگز به مثابه سیستمی بسته از تمایزات فهم نمی شوند و قادر به اتمام و انسداد مفاهیم و هویت ها نیستند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱) در جهت ایجاد تغییرات و نوعی بازنگری در زنجیره ی دال ها از گفتمان هایی که سوژه های انسانی را از حوزه ی هویت بخشی و معنا داری خود طرد می کنند بدون آنکه به پیامدهای آن توجه داشته باشند، می توان با برجسته سازی ها و طرد کردن های تازه ی گفتمانی، با گفتمان داعش به گونه ای وارد رقابت شویم که سوژه های مذکور به جای پناه بردن به داعش ترغیب به پیوستن به گفتمان رقیب آن شوند.

۱-۴- سوالات پژوهش

- ۱- گفتمان داعش از چه معانی ای در گفتمان های دیگر برای مفصل بندی خود بهره می برد؟
- ۲- گفتمان داعش چگونه گفتمان های غیر را به حاشیه می برد و خود را به عنوان گفتمان هژمون برجسته می نماید؟
- ۳- گفتمان داعش از چه زنجیره ای از دال ها و مدلول ها تشکیل شده و چگونه در حفظ این زنجیره های معنایی می کوشد؟
- ۴- چه ابعاد^۱ و عناصر^۲ی در گفتمان داعش^۱ در حال تبدیل و جابه جایی اند؟

^۱. moment

^۲. element

۱-۵-اهداف پژوهش

آنچه بنای این نوشتار است در نظر گرفتن داعش به عنوان یک گفتمان در میان گفتمان های مختلف دیگر و سپس بررسی مکانیزم یعنی ساز و کاری که داعش بخشی فعال از آن است و برای تسلط گفتمان خود بر سایرین و تسخیر هویت ها، طی فرایند هژمونیک و مفصل بندی، تلاش می کند. بنابراین هدف کلی که این پژوهش پی می گیرد شناسایی و ترسیم فرآیندی از نحوه ی شکل گیری و صورتبندی گفتمان داعش در میان گفتمان یا گفتمان های غیر است.

اهداف جزئی نیز از این قرارند:

- ۱- شناسایی و توصیف زنجیره ای از دال^۲ ها و مدلول^۳ هایی که گفتمان داعش دنبال می کند.
- ۲- شناسایی و بررسی معانی^۴ و هویت^۵ هایی که در درون گفتمان داعش قرار دارند.
- ۳- توصیف معانی و هویت هایی که در حوزه ی گفتمانی آن هستند و ارائه توصیف و شناختی از ابعاد (وقته ها) و عناصر گفتمانی داعش و فرایند جابه جایی آنها.

۱-۶-روش انجام پژوهش

این پژوهش از نظر روش شناختی در حوزه پژوهشهای کیفی قرار می گیرد. به این معنا که در این پژوهش مجموعه ای از متون پس از گردآوری مورد تفسیر قرار گرفته و به دنبال درک معنا و رمزگشایی از پدیده هایی برمی آید که در محیط اجتماعی رخ داده است. (گیویان، ۱۳۸۸: ۵۲) و عمدتاً با فرایندها سروکار دارند و نتایجشان به معنی توجه دارند تا اینکه بر روشها تاکید کنند. (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۹۵)

تحقیقات کیفی شامل روشهای پژوهشی متعددی از جمله تحلیل گفتمان^۶ است، در حقیقت هدف اصلی در دیدگاه گفتمانی، معناکاوی و فهم واقعیت اجتماعی برآمده از آن است؛ فرض اساسی در دیدگاههای گفتمانی شکل پذیری حیات و کردارهای اجتماعی به وسیله زبان و گفتمان است؛ البته به این نکته نیز اظهار دارد که زبان خود در خدمت کردارهای اجتماعی شکل می گیرد و معنا می یابد به همین خاطر در گفتمان به رابطه تعاملی میان متن و زمینه متن تاکید می شود. (سجادی، ۱۳۹۰: ۱۲۵) چرا که معنا همان قدر که از متن ناشی می شود از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیر می پذیرد.

¹. ISIS discourse

². sign

³. signifier

⁴. meaning

⁵. identity

⁶. Discourse Analysis

پرسش تحقیق در این روش به چگونگی ساخته شدن واقعیت اجتماعی در قالب گفتمان مربوط به فرایند ها و موضوعی خاص متمرکز است و در این جا ترجیحاً با جمله، پاراگراف، کتاب، مصاحبه، مطالب روزنامه و خبرگزاری، سخنرانی یک شخصیت و ... مواجه ایم. (فلیک، ۱۳۸۹:۳۶۳)

در این پژوهش ما نیز از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه که روشی توصیفی-تحلیلی است استفاده می کنیم، روشی که در ارتباط با نظریه آن قرار دارد؛ البته باید گفت در روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه هم روش تحلیل گفتمان و هم روش تاریخی در کنار هم قرار دارند چرا که اساساً مطالعات گفتمانی به روش تحلیل گفتمانی یک نوع بررسی تاریخی اند. (ساعی، ۱۳۸۸:۱۳۸) و این نکته نیز اهمیت دارد که در تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بررسی و تحلیل یک گفتمان در گرو تحلیل و حضور گفتمان غیر صورت می گیرد.

۱-۷- روش جمع آوری اطلاعات

در تحلیل گفتمان اطلاعات و داده ها از قبل موجودند و محقق صرفاً سعی می کند براساس فرضیات و یا سؤالات تحقیق اطلاعات لازم را گردآوری نماید. واحد مشاهده در تحلیل گفتمان متن است و به جای سوال از فرد از متن سوال می شود و داده های گردآوری شده از طریق رجوع به متن از مناسب ترین داده ها برای تحلیل محسوب می شود؛ داده های تجربی تحلیل گفتمان از متون مختلف از جمله کتب، سخنرانی، مقالات رسانه ها گرفته تا مصاحبه را در برمی گیرد. (فلیک، ۱۳۸۹:۳۶۳)

در این پژوهش ما نیز برای گردآوری داده های از قبل موجود به سراغ اسناد و کتب و پایان نامه ها و متون مندرج در روزنامه ها و خبرگزاری های معتبر و مختلفی از جمله: سخنرانی، مقاله، شعار و ... می رویم که به ما در شناخت صورت بندی گفتمان داعش و نیز تحولات سیاسی و تاریخی مرتبط با آن و منازعات میان این گفتمان و گفتمان های رقیب کمک می کند. (۴:۲۰۰۰) به نقل به این ترتیب برای گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و اسنادی که از مهمترین روش های گرد آوری داده ها در تحلیل گفتمان است استفاده می کنیم. واحد تحلیل در اینجا گفتمان است و واحد مشاهده نیز نوشتارها و کردارها و گفتارهای صادره از سوی فرد یا جمع منتسب به گفتمان مورد نظر است.

ذکر این نکته در اینجا مناسب به نظر می رسد که اگرچه در نظریه گفتمان لاکلا و موفه مفهوم گفتمان مجموعه گسترده ای از داده های زبانی^۱ و غیرزبانی (گفتارها، گزارشها، حادثه های تاریخی، گفت و گوها، سیاستگذارها، اعلامیه ها، اندیشه ها، سازمانها و نهادها) را در بر می گیرد اما با همه آنها به مثابه متن برخورد می شود. (هوارثاز حسینی زاده، ۱۳۸۶:۲۱)

1. Linguistic

۱-۸- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

لاکلا و موفه در توضیح نظریه شان مفاهیم بسیاری را به کار گرفته اند که ما می توانیم از آنها به عنوان ابزارهای سودمندی برای تحلیل تجربی استفاده کنیم. این مفاهیم به دو شکل در خدمت این تحقیق قرار می گیرند، مفاهیمی که در نظریه معنایی لاکلا و موفه بیان شد برای تشریح و توصیف صورتبندیهای گفتمان ها و مفاهیمی که در نظریه اجتماعی آنها بیان شد برای توضیح و تحلیل کشمکشها و ترسیم فضای تخصص میان گفتمان ها به کار گرفته می شود.

برای بررسی چگونگی شکل گیری گفتمان داعش و اینکه چه چیزی را برجسته و چه چیزی را طرد می کند؟ و دال مرکزی آن چیست؟ ابتدا توصیفی از عناصر و ابعادی (وقته هایی) ارائه می شود که زنجیره ی دال های شکل دهنده به گفتمان را می سازند و سپس تنازع آن بر سر انتساب معنا را در رقابت با گفتمان های رقیب بررسی می کنیم؛ این کار را به کمک کتابها، پایان نامه ها، مقالات و سایر متون منتشر شده در این زمینه انجام می دهیم.

در نظریه گفتمانی لاکلا و موفه زمانی که بتوان صورتبندی های گفتمانی را نشان داد، گره گاه ها، دال های مرکزی و ... را شناسایی کنیم به این معنا که کدام نشانه ها جایگاه ممتازی دارند و چگونه در ارتباط با سایر نشانه ها تعریف شده اند؛ می توانیم بررسی کنیم که گفتمان غیر چگونه دال های سیال هر گفتمان را تعریف می کند و یا بر سر معنای کدام نشانه های (دال های سیال) گفتمان کشمکش وجود دارد؟ بنابراین کم کم می توانیم نزاع های موجود بر سر معنا را بشناسیم. در حقیقت هر گفتمان به دنبال تعریفی جدید از خود در مقابل غیر و دیگری است، پس با شناسایی نظام معنایی گفتمان داعش می توانیم سرنخهایی درباره آنچه که گفتمان های رقیب مانند نظام جهانی یا سایر گروه های تروریستی از خود طرد می کنند، بیابیم و همه اینها راه را برای ورود به مرحله بعدی پژوهش باز می کند.

در نظریه گفتمان لاکلا و موفه هستی هر گفتمان و هویت آن همواره در ارتباط با غیر شکل می گیرد و وجود یک گفتمان که به تنهایی بر جامعه حاکم باشد، امکان پذیر نیست. ما نیز نمی توانیم سیر تحول و چگونگی شکل گیری گفتمان داعش را بررسی کنیم مگر آنکه آن را در مقابل غیرش که می تواند گفتمان نظام جهانی یا سایر گفتمان ها باشد، قرار دهیم و با ترسیم منازعات معنایی و نقاط تفاوت و درگیری های میان آنها این غیریت سازی را نشان دهیم. بنابراین برای تجزیه و تحلیل این قسمت از نظریه اجتماعی لاکلا و موفه استفاده می کنیم. در نظریه اجتماعی فرایند تخصص و کشمکش های گفتمانی بیان می شود تا در نهایت نشان داده شود که یک گفتمان چگونه موفق به از میان بردن ثبات معنایی گفتمان حاکم، کسب سلطه و موفقیت برای خود می شود.

۹-۱- پیشینه پژوهش

به طور کلی پژوهش های مربوط به داعش در چهار دسته زیر قرار دارند: الف) تحقیقاتی که با انگیزه های جزم اندیشانه و از لحاظ معرفت شناختی داعش را متهم به نوعی سوء برداشت و انحراف از اسلام حقیقی می کنند، ب) گروهی که تمرکز مطالعاتی شان را بر جنبه های روانی و سازمانی، ماهیت پیش بینی ناپذیری و فنون پیچیده ی نظامی آنها بنا کرده اند؛ ج) گروه دیگری از این مطالعات بر اساس تئوری توطئه، دست های پنهان پشت پرده و نامرئی حامی گروه های رادیکال اسلامی تحقیق و نتیجه گیری کرده اند، د) گروهی که پس از تحقیقات میدانی یا بر اساس تحقیقات انجام شده و اطلاعات کتابخانه ای موجود تحلیل های هستی شناختی ارائه می دهند. هدفی که این نوشتار دنبال می کند بررسی همه جانبه گفتمان داعش و نحوه ی شکل گیری و بقاء آن در میان گفتمان یا گفتمان های غیر یا دیگری است.

فصل دوم

ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

درآمد

در قسمت ادبیات تجربی کارهایی که سابقاً در رابطه با موضوع مورد بحث ما موجود است به منظور دانستن اینکه در حوزه مطالعاتی ما دیگران چه کرده اند، مورد بررسی قرار می گیرند. بنابراین دانستن اینکه تحقیقات پیشین در چه سطحی انجام شد و نتایجشان چه بوده است سودمند خواهد بود. (فلیک، ۱۳۸۸:۶۷).

مرور ادبیات پژوهشی درحوزه پژوهش به شیوه های گوناگون به محقق کمک می کند از جمله:

- استفاده از مفاهیم موجود در ادبیات می تواند موجب فراهم آوردن امکان مقایسه ی داده هایی را فراهم آورد که توسط محقق گردآوری شده است.
- آشنایی با ادبیات مربوطه می تواند حساسیت محقق به تفاوت های ظریف در داده ها را افزایش دهد.
- اطلاعات توصیفی منتشر شده می تواند شرح صریحی از واقعیت ارائه کند که برای فهم اطلاعات محقق سودمند خواهد بود.
- دانش نظری و فلسفی می تواند منشاء الهام و مانع از سرگردانی در میدان و تحلیل داده ها شوند.
- ادبیات یک موضوع می تواند منبع دست دوم داده ها باشد.
- این ادبیات میتواند سوالاتی را به هنگام تحلیل اطلاعات به ذهن متبادر کند.
- ادبیات تجربی میتواند حوزه های نمونه گیری نظری را پیشنهاد کند. (همان، ۶۸)

با وجود اینکه به صورت روزانه ذهن رسانه ها و نگارندگان مقالات و اخبار درگیر نوشتن و منتشر کردن اطلاعات درباره داعش هستند کم تر متنی به گفتمان داعش در کنار "غیبی یا" دیگری" نگاه کرده است به گونه ای که نه تنها بر داعش بلکه بر "غیر" های آن هم متمرکز باشد. اگر چه نمی توان ساختار یک گفتمان را در زمان معینی ترسیم کرد چرا که همواره امکان اینکه معانی معنای تازه ای به خود بگیرند یا به حوزه ی گفتمانی یک گفتمان انتقال یابند وجود دارد اما این طور هم نیست که به یک باره تمامی مفاهیم یک گفتمان تغییر یابند. نوشته های راجع به داعش و به طور کلی رادیکالیسم اسلامی را می توانیم در چهار دسته تقسیم بندی کنیم: الف) تحقیقاتی که با انگیزه های جزم اندیشانه و از لحاظ معرفت شناختی داعش را متهم به نوعی سوء برداشت و انحراف از اسلام حقیقی می کنند، ب) گروهی که تمرکز مطالعاتی شان را بر جنبه های روانی و سازمانی، ماهیت پیش بینی ناپذیری و فنون پیچیده ی نظامی آنها بنا کرده اند؛ ج) گروه دیگری از این مطالعات بر اساس تئوری توطئه، دست های پنهان پشت پرده و نامرئی حامی گروه های رادیکال اسلامی تحقیق و نتیجه گیری کرده اند، د) گروهی که پس از تحقیقات میدانی یا بر

اساس تحقیقات انجام شده و اطلاعات کتابخانه ای موجود تحلیل های هستی شناختی ارائه می دهند. هدفی که این نوشتار دنبال می کند بررسی همه جانبه گفتمان داعش و نحوه ی شکل گیری و بقاء آن در میان گفتمان غیر یا دیگری است. به عبارتی ساز و کاری را که امکان وجود و بقاء گفتمان داعش را ممکن می سازد و اینکه چه دال و مدلول هایی در گفتمان داعش یا گفتمان های رقیب معنادار و برجسته یا طرد می شوند و چگونگی صورتبندی گفتمانی متأثر از گفتمان غیر، مورد بررسی قرار می گیرند. به منظور شناخت وجوه گفتمان داعش، پژوهش های پیشینی انجام شده در این رابطه را در دو گروه: الف) مقالات و ب) کتاب ها مرور می کنیم.

الف) مقالات

محمد سالار کسرای و سعیده داوری مقدم (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «بر آمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه» مسأله ی مورد توجه خود را بررسی چرایی شکل گیری این گروه و به دنبال آن بروز خشونت توسط آنها می دانند؛ فرض بر این است که روابط موجود در نظام جهانی، نظام های سیاسی تبعیض آمیز غرب و دیکتاتوری خاورمیانه، رسانه ها و افکار پسا استعماری منجر به شکل گیری این گروه شده اند و زمینه ی ایجاد بحران هویت و احساس محرومیت را در این افراد فراهم کرده اند. این پژوهش با استفاده از مستندات موجود و محتوای رسانه ها و در واقع با تطبیق واقعیات تجربی با مبانی نظری موجود به اثبات فرضیات مطرح شده در این زمینه پرداخته است و در نهایت به این نتایج منجر شده است که نظام استعماری مستتر در نظام جهانی و تبعیض موجود در نظام های سیاسی غربی و دیکتاتوری حاکم بر نظام های سیاسی خاورمیانه باعث ایجاد بحران هویت و وضعیتی اعتراض گونه در افراد جوامع مختلف می شود. این افراد همگی به دنبال قهرمانی هستند تا زیر پرچم او انتقام خود را از نظام های سیاسی موجود بگیرند. شکل گیری گروه رادیکالی چون داعش پاسخ به نیاز انتقام جویی و استقلال عده زیادی در سراسر جهان است و به همین دلیل تبلیغات این گروه در سطح جهان با استقبال گسترده ای مواجه شده است. در نهایت شکل عینی انتقام جویی این گروه در خشونت بی سابقه آنها نمود پیدا می کند که در واقع نمایش جامعه پذیری در نظام های سیاسی خشن آنها محسوب می شود.

سید اصغر کیوان حسینی و طیبه محمدی کیا (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «مفهوم دولت در گفتمان داعش» به پرسش اصلی این نوشتار که بررسی چند و چون رویکرد داعش به دولت و شناسایی جایگاه این مفهوم در منظومه فکری این گروه است پرداخته اند. فرضیه نوشتار، که در پاسخ گویی به پرسش اصلی از آن طی این نوشتار دفاع می گردد، آن است که دولت در اندیشه و فهم داعش بر پایه ارجاعی مشخص به ایده به تعویق افتاده «خلافت در اسلام سیاسی معاصر» شکل گرفته است؛ ارجاعی که در دل یک گفتمان ویژه تحقق یافته است. به این ترتیب تبارشناسی مفهوم دولت در داعش راه به نظریه خلافت در

اسلام سیاسی می برد. هدف نوشتار توضیح این گفتمان و شناسایی نحوه پدیداری مفهوم دولت در اندیشه و عمل داعش است. در این مقاله نشان داده می شود که چرا باید داعش را حاصل زنجیره‌هایی از تحولات دانست که پس از فروپاشی عثمانی و پدیداری جنبش‌های خلافت گرا پدید آمد. و توضیح می دهد که ایده آل‌یسم معوق مانده احیای خلافت توسط این گروه وجهی عینی یافت و در قالب یک کنش سیاسی در گفتمان کمابیش عمل گرایانه تر آن انعکاس یافت.

ایمان عرفان منش و سهیلا صادقی فسایی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «بازنمایی و تحلیل انتقادی-لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی» پس از جستجوی اسناد و اخبار معتبر درباره زنان و خانواده در میان شبکه های اجتماعی و پایگاه های خبری بین المللی داخلی (۶۲ سند بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵)، الگوی خانواده از منظر گفتمان داعش را، بر اساس بینش نظری و روشی تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان لاکانی، در سه سطح تحلیل توصیفی، تفسیری و تبیینی بازنمایی و تحلیل کرده و نتیجه می گیرند که بخشی از قدرت گفتمانی آن الگو متاثر از عرصه ارتباطی و فضای مجازی است. در مجموع چنین به نظر می رسد که الگوی خانواده داعشی حول مفاهیم مردم محوری، غلبه اصالت جمع و توجه به آموزه های سلفی گرایی و ظاهر گرایی مفصل بندی می شود. مقایسه موردی میان این گروه و القاعده انجام می گردد و تفاوت های ساختاری و ایدئولوژیکی آنها بررسی می شود. تحولات ساختاری، فکری، ایدئولوژیکی و فرهنگی که این گروه از خود در عراق و سوریه در دو سال اخیر نشان داده است، از نوعی دگردیسی یا جهش در روند مبارزاتی این گروه ها حکایت دارد. تفاوت های چشمگیر عملکردی و ایدئولوژیکی این گروه با سایر گروه های بنیادگرا همانند القاعده، از آغاز عصری نوین از مبارزات بنیادگرایی در خاورمیانه و حتی فراتر از آن خبر می دهد؛ تأکید این گروه به ابزار خشونت لجام گسیخته، قدرت نظامی، راهبردهای (تاکتیک های) منظم و نوین جنگی و البته تأکید زیاد بر رسانه های اجتماعی و اینترنت سبب شده تا این گروه به سرعت، پایگاه هایی سیاسی و اجتماعی قوی، در میان جمعیت مسلمان کشورهای مختلف جهان و خاورمیانه برای خود ایجاد کند؛ در واقع، نگرش متفاوت داعش به مسائل دینی، سیاسی و فرهنگی، زمینه ای به وجود آورده که این گروه بتواند از سایر گروه های بنیادگرا پیشی بگیرد و در حقیقت، به قوی ترین گروه بنیادگرا و در عین حال، تروریستی جهان تبدیل شود.

هادی تاجیک، عبدالرضا عالی شاهی و سید علی مجیدی نژاد (۱۳۹۳) نویسندگان مقاله ای با عنوان «گفتمان حاکم بر شکل گیری و فعالیت های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز-تیلی» سعی داشتند که نشان دهند شکل گیری داعش براساس کدام گفتمان بوده است؟ این مقاله با محوریت قرار دادن تئوری بحران توماس اسپرینگز و تلفیق آن با نظریه بسیج منابع چارلز تیلی اقدام به تبیین شکل گیری و گفتمان بحران سازی داعش کرده است و با استفاده از چهار مرحله بحران سازی اسپرینگز، شکل گیری داعش و با

استفاده از بسیج منابع چارلز تیلی، بحران سازه‌های این گروهک تروریستی را تشریح کرده است. نتیجه گیری نهایی این مقاله این است که قدرت روزافزون شیعیان در منطقه زنگ خطر مهمی برای داعش و هم پیمانان منطقه ای همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است که خود عامل مهمی در تشکیل داعش بوده است. از سوی دیگر، پس از تشکیل داعش، مفهوم بسیج منابع و ایجاد چالش میان حکومتگران و چالشگران حکومت مطرح می شود. داعش به عنوان چالشگر حکومت، بر اساس نظریه تیلی، از منابع مختلفی برای بحران سازی در کشورهای عراق و سوریه بهره برده است؛ از جمله حمایت‌های بی شائبه قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، قطر، عربستان سعودی، منابع وسیع اقتصادی منطقه، استفاده از تسلیحات سنگین و نیمه سنگین و ... در هر صورت داعش را می توان فرزند نامشروع ائتلاف منطقه ای به سرکردگی قدرت های یادشده، ترس از قدرت روزافزون شیعیان و در نهایت تشتت و عدم اتفاق در کشورهای همچون عراق و سوریه دانست.

یونس نوربخش و منصوره مهدی زاده (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن» یکی از محورهای اصلی ایدئولوژی این گروهک تروریستی را مفهوم هجرت می دانند و در آن هجرت را امری اجباری و وظیفه اصلی هر مسلمانی اعم از زن و مرد دانسته و تنها افراد ناتوان را از این قاعده مستثنی می کنند. برای نشان دادن ضرورت این امر، زمان حاضر را مانند زمان پیامبر اسلام می دانند و معتقدند همان گونه که مهاجرین و انصار برای برپاداشتن دین خدا و در راه خدا به مدینه هجرت کردند هم اکنون نیز نیاز است تمام مسلمانان جهان از هر طایفه و رنگ و نژادی برای تشکیل حکومت اسلامی و در راه دین خدا به سرزمین شام مهاجرت نمایند آنها این مهاجرت را از سرزمین خود به سرزمین شام «جهاد فی سبیل الله» قلمداد کرده و تمام مسلمانان را به آن مکلف می کنند و هجرت را اولین گام برای شروع جهاد مسلمانان می دانند. در نتیجه داعش با توجه به نیاز موعودگرایی جهانی و با تحلیل مشکلات مالی، اجتماعی و روانی جوامع معاصر توانسته است با ارائه نوعی ایدئولوژی جهانی و امیدبخش نسبت به آینده، با استفاده از ابزارهای ارتباطی و تبلیغاتی پیشرفته در فضاهای واقعی و مجازی و با وعده تحقق شکل گیری جامعه آرمانی، بخش عظیمی از مردم دنیا را به سوی خود جذب کند.

سید جواد صالحی و فاتح مرادی نیاز (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «بنیادگرایی اسلامی داعش-القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی» با توجه به شاخص های ایدئولوژیکی و ساختاری که داعش و رهبران آن ارائه داده اند، مقایسه موردی میان این گروه و القاعده انجام می گردد و تفاوت های ساختاری و ایدئولوژیکی آنها بررسی می شود. تحولات ساختاری، فکری، ایدئولوژیکی و فرهنگی که این گروه از خود در عراق و سوریه در دو سال اخیر نشان داده است، از نوعی دگردیسی یا جهش در روند مبارزاتی این گروه ها حکایت دارد. تفاوت های چشمگیر عملکردی و ایدئولوژیکی این گروه با سایر گروه های بنیادگرا همانند

القاعده، از آغاز عصری نوین از مبارزات بنیادگرایی در خاورمیانه و حتی فراتر از آن خبر می دهد؛ تأکید این گروه به ابزار خشونت لجام گسیخته، قدرت نظامی، راهبردهای (تاکتیک های) منظم و نوین جنگی و البته تأکید زیاد بر رسانه های اجتماعی و اینترنت سبب شده تا این گروه به سرعت، پایگاه هایی سیاسی و اجتماعی قوی، در میان جمعیت مسلمان کشورهای مختلف جهان و خاورمیانه برای خود ایجاد کند؛ در واقع، نگرش متفاوت داعش به مسائل دینی، سیاسی و فرهنگی، زمینه ای به وجود آورده که این گروه بتواند از سایر گروه های بنیادگرا پیشی بگیرد و در حقیقت، به قوی ترین گروه بنیادگرا و در عین حال، تروریستی جهان تبدیل شود.

علیرضا سمیعی اصفهانی و محسن شفیعی سیف آبادی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «آینده گروهک های تکفیری و راه کار های ثبات بخش دولت سوریه و عراق» مسئله ی اصلی تحقیق خود را این می دانند که «آینده گروهک های تکفیری چون داعش و جبهه النصره در خاورمیانه به چه سمت و سویی خواهد رفت؟» نتیجه تحقیق آنها اینگونه است که علی رغم تحولات ایجاد شده، آنچه در مقام عمل، در عراق و سوریه روی می دهد، تلاش حاکمان در تداوم مناسبات سلطه آمیز و اصرار آن ها در پیروی کامل از سوی تابعان است. تحولات اخیر در خاورمیانه و فضای سیاسی- اجتماعی این دو کشور، تأییدی بر فرض مذکور است. این در حالی است که دولت های عراق و سوریه امروزه بیش از گذشته باید به این مسئله توجه کنند که در عرصه مبارزه با گروهک های تکفیری، باید بین مردم و شهروندان عادی عراق و سوریه، خصوصاً کردها، اقلیت های مسیحی، سنی های محافظه کار، جوانان جویای هویت حقوقی و کار و شاکیان علمی از یک طرف و گفتمان اسلام گرای تکفیری خصوصاً گروهک های جبهه النصره و داعش از طرف دیگر، تفکیک قائل شوند؛ زیرا بدیهی است اگر وضعیت نابسامان عراق و سوریه طولانی شده و این دو دولت جز خشونت و تصلب، ابزارهای مسالمت آمیز بیان شده را امتحان نکنند، بی شک بخشی از شهروندان عراقی و سوری به هواداران جریان های تکفیری خواهند پیوست. در این صورت، گفتمان حاکم بر عراق و سوریه که با شعارهای مردمی به میدان آمده اند، با تقابل با جریان های مذکور، به ضد مردم تبدیل می شود.

در این مقالات به درستی به تقابل گفتمان نظام جهانی و گفتمان داعش اشاره می شود و علت پیوستن به داعش از طرف شهروندان کشورهای گوناگون را محرومیت نسبی عنوان می کنند؛ اما به اینکه در گفتمان داعش چه مفاهیم و معانی برجسته یا طرد می شوند یا چه معانی متفاوتی از واژه های جهاد، خلافت، شهادت و ... برداشت می شود و چه عواملی در این گفتمان جذابیت دارد تا زمینه جذب و پیوستن سوژه به داعش را فراهم نماید، پرداخته نشده است. اگر چه درک معنا یا به عبارتی انتساب معنای متفاوت و ایده آل به "دولت" در ساختار گفتمانی داعش و توجه به تفاوت های نظریه رادیکال و آلترناتیو دولت خلافت پایه را به جا مطالعه می کنند منتها به همین یک وجه اکتفا می شود. به هر حال هر یک از این مقالات تنها

به وجهی از وجوه گفتمان داعش پراخته اند و ساخت گفتمانی داعش را به عنوان به یک کل مطالعه نکرده اند؛ کاری که در این نوشتار پی می گیریم.

ب) کتاب ها

سید علی نجات در کتاب نوسلفی گری در سوریه (۱۳۹۶) به کمک تحلیل گفتمان و چارچوب نظریه گفتمان ارنست لاکلاو و شانتال موفه به صورت گسترده تمام گروه هایی که از نظر مولف ذیل نوسلفیسم تقسیم بندی شده اند را مورد بررسی قرار داده است و نتیجه گیری می کند که هدف مشترک تمامی گروه های نوسلفی فعال در سوریه، سرنگونی بشار اسد و علویان است و مهم ترین گروه های نماینده نوسلفیسم در سوریه را گروه های «جبهه النصره»، «داعش»، «جبهه اسلامی» و «جیش الفتح» می داند. او برخی عوامل موفقیت و رشد گروه های نوسلفی در سوریه را چنین بر می شمرد: فقدان نوسازی اقتصادی و اجتماعی، ناکارآمدی و فروماندگی دولت، فقدان انسجام اجتماعی و گسست های دینی و طایفه ای، تاکید گروه های نوسلفی بر تاسیس حکومت اسلامی و حذف مرزها، بهره بردای از راهبرد رسانه ای و تبلیغات گسترده.

در این کتاب ظهور جنبشهای اسلامی از جمله داعش تحت عنوان نوسلفی یعنی گروه هایی که به نسبت گروه های ماقبل خود شم جهادی بالایی دارند، در سوریه امروزی و نه در سرزمین شام مد نظر بوده است در حالی که بخش زیادی از مفاهیم در گفتمان داعش تعریفی لامکانی و لازماتی دارند و انتحار و انفجار در هر نقطه ای از زمین از طرف سربازان داعش، که خود از اکثر نقاط جهان به داعش ملحق گشته اند، در هر زمانی وجود دارد.

پی یر ژان لوییزار در کتاب در دام داعش (۱۳۹۶) و با عنوان دولت اسلامی یا عقب گرد تاریخ با مطالعه اسنادی و کتابخانه ای به دخالت های اروپاییان به ویژه انگلیس و فرانسه و بعدها آمریکا بعد از جنگ جهانی اول اشاره می کند که در منطقه ی خاورمیانه طی امضای قرار داد سایکس-پیکو توسط دو شخص انگلیسی و فرانسوی به تجزیه سرزمین شام به کشورهای کوچک و ایجاد مرزهای جغرافیایی جدید انجامید؛ در حالی که منطقه مملو از شکاف های مذهبی و قومی بوده است شکاف ملی نیز بر آن افزوده شد. سال ۲۰۱۴ سالی است که همه چیز در این منطقه به هم ریخت. در سرزمین عراق، سه دسته در مقام دولت در برابر هم ایستاده اند، هر کدام سرزمینی را در اختیار دارند، ارتش ساخته اند و با پرچم جداگانه ای خود را معرفی می کنند (دولت اسلامی برای خود سکه ضرب کرده است). دولت بغداد فقط با نخبگان و به نام جامعه اکثریت شیعی سخن می گوید؛ کردستان تمام ویژگی های یک حاکمیت را دارد و تنها به رسمیت شناخته شدن منطقه ای و بین المللی را کم دارد؛ دولت اسلامی هم با استفاده از تنش میان مذاهب شیعه و سنی کارش رونق یافته است و اهداف خود را پیش می برد.

در رابطه با داعش مقالات و متون بسیاری نوشته و تولید شده اند که هر کدام بخشی از هویت گفتمانی داعش را آشکار کرده اند و گاهی خود نگارنده و نگارندگان متون خواسته یا ناخواسته از درون گفتمانی دیگر به داعش نظر انداخته اند؛ در جدول زیر به طور خلاصه برخی از تحقیقات انجام شده با ذکر تفاوت هایشان نسبت به تحقیق کنونی گردآوری شده است.

ردیف	موضوع/عنوان	نویسنده/نویسندگان	روش	مبانی نظری	نتایج	تفاوت با تحقیق کنونی
۱	بر آمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه	محمد سالار کسرایی و سعیده محمدی مقدم	کیفی و اسنادی	نظریه محرومیت نسبی «تد رابرت گر»	شکل گیری گروه رادیکالی چون داعش پاسخ به نیاز انتقام جویی و استقلال عده زیادی در سراسر جهان است.	چارچوب نظری
۲	مفهوم دولت در گفتمان داعش	سید اصغر کیوان حسینی و طیبه محمدی کیا	گفتمانی	مطالعه داعش به مثابه یک گفتمان و سپس بررسی دولت در گفتمان داعش	دولت در اندیشه و فهم داعش بر پایه ارجاعی مشخص به ایده به تعویق افتاده «خلافت در اسلام سیاسی معاصر» شکل گرفته است.	نگاه یک جانبه به داعش؛ در تحقیق حاضر سعی بر آن است که به همه مفاهیم موجود در گفتمان داعش پرداخته شود-
۳	بازنمایی و تحلیل انتقادی- لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی	ایمان عرفان منش و سهیلا صادقی فسایی	تحلیل گفتمان	تحلیل لاکانی	الگوی خانواده داعش بر پایه ای سست و مبتنی بر التذاذهای شهوانی به منظور پیشبرد اهداف سیاسی قرار گرفته است و قدرت خود را از تقلب و جعل هویت دینی به پشتوانه جهان غرب به دست آورده است.	هم از نظر مبانی نظری تحقیق هم از لحاظ موضوع مورد تحقیق پژوهش حاضر بنای دیگری دارد.
۴	گفتمان حاکم بر شکل گیری و فعالیت های داعش	هادی تاجیک، عبدالرضا عالی شاهی و سید علی مجیدی نژاد	اسنادی	بر اساس نظریات اسپرینگز-تیلی	قدرت روزافزون شیعیان در منطقه زنگ خطر مهمی برای داعش و هم پیمانان منطقه ای همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی است که خود عامل مهمی در تشکیل داعش بوده است.	چارچوب نظری
۵	ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی	یونس نوربخش و	مطالعه اسنادی و	در چارچوب نظری موعودگرایی دلایل	داعش با توجه به نیاز موعودگرایی جهانی و با	